

کتیبه کاشی منار مسجد جامع دامغان

(حدود ۵۴۵۰ ق. / ۱۰۵۸ م)

کهن ترین نمونه بازمانده در جای از کاربرد کاشی در معماری اسلامی ایران

شهریار عدل

رضایتبخشی از این کتیبه بی نظیر بدست دهد .

اکنون نگارنده پس از هفده سال انتظار و آزمایش راههای گوناگون موفق گردید در چهارچوب عملیات دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در سمنان اولین نوارهای عکس این کتیبه را در اختیار پژوهشگران قرار دهد و در عین حال از استحکام کاشیها نیز اطمینان خاطر پیدا کند . البته نتایج کامل بررسی پس از پایان مطالعات در مقاله دیگری منتشر خواهد گردید .

مرحله نهائی برنامه عکسبرداری از کتیبه منار مسجد جامع دامغان روز ۲۹ دی ماه ۱۳۶۱ با همکاری داوطلبانه و بی دریغ

صد سال است که چشم تیزبین ترین محققین ایرانی و فرنگی تاریخ و تاریخ هنر به کتیبه‌ای از کاشی که در بالای منار مسجد جامع دامغان قرار گرفته است دوخته شده، در انتظار بررسی آن می‌باشند . (۱) بلندی منار و خردی کتیبه مانع از آن می‌شود که بتوان با چشم غیر مسلح نوشته کتیبه را تمیز داد و عکسبرداری حتی با دوربینهای عکاسی کنونی و مجهز به تله ابژکتیف ۵۰۰ میلیمتری نیز بعلت مدور بودن منار و عدم امکان آزادی حرکت در اطراف آن بدلیل وجود خانه‌های مسکونی نتوانسته تصویر کاملاً



۱- نمای جنوبی منار مسجد جامع دامغان . کتیبه کاشی به سختی در قسمت فوقانی منار (ر . ک . عکس ۲) بالای آنچه که از

یک چوب بست قدیمی بجای مانده است دیده میشود . صحن و قسمت نوساز مسجد نیز در این تصویر هویدا است (عکس از کامران عدل) .

کوهنوردان کلوب کوه نوردی و اسکی دماوند و با شرکت آقایان فتح الله کیائیا (کوه نورد و رئیس کارگاه) ، مجید پژوهشی (کوه نورد و دستیار) ، مسعود گرم زبان (کوه نورد و عکاس) و کامران عدل (مشاور فنی عکاسی) استاد علی سیفی (دستیار) و شهریار عدل (طراح برنامه) اجرا گردید .

هیأت از کمکهای مسئولین مسجد جامع دامغان ، آقایان محمد علی ذوالفقاریان قائم مقام ریاست اداره ارشاد اسلامی دامغان سید محمد تقی حیدری نژاد مسئول نگهبانی آثار تاریخی دامغان و آقای ایرج رضائیان برخوردار بود . کلیه عملیات زیر پوشش دفتر فنی سمنان و مشاورت فنی آقای مهندس مصطفی دانشور قرار داشت و همکاری کلیه متخصصین مذکور داوطلبانه بود .

از هر کاشی سه نگاتیف سیاه و سفید و سه اسلاید با عدسی زاویه باز (۳۷ میلیمتر) توسط مسعود گرم زبان گرفته شده بوسیله ایشان و کامران عدل ظاهر گردید و در مقیاس ۱/۵ چاپ شد . با این عکسها نوار عکس کتیبه توسط عبدالله قوچانی و شهریار عدل تهیه گردیده مجدداً " به وسیله کامران عدل و مسعود گرم زبان عکسبرداری و ظاهر شده به مقیاس ۱/۵ چاپ گردید . آقای قوچانی در گذشته متن کتیبه را از روی عکسهای بسیار خوب و جالبی که آقای بهمن جلالی در سال ۱۳۶۰ با تله ایژکتیف ۵۰۰ برداشته بودند تشخیص داده بودند و عکسهای ایشان از آن زمان پایه عملیات و مطالعات کنونی را تشکیل می داد .

مشخصات و شرح بناهای سده ۵ هـ . ق / ۱۱ م شهر و ناحیه دامغان از جمله منار مسجد جامع یازده سال پیش توسط نگارنده به دستبازی آقای اسدالله سورن ملیکیان شیروانی برای مطالعه کتیبه های آن آثار در نشریه " استودیو ایرانیکا انتشار یافت (۲) و در این گزارش گونه ، نیازی به تکرار نیست و تنها به توصیف منظور می پردازد .

کتیبه کاشی منار مسجد جامع دامغان بیش و کم ۳۰ سانتیمتر بلندی دارد و حد بالای آن در حدود ۱۸۳ سانتیمتر پائینتر از

بالترین رج آجر کنونی در قسمت فوقانی منار می باشد . باتوجه به اینکه بلندی درونی منار ۳۱ متر و بلندی برونی آن از سطح زمین در حدود ۳۲ متر است و همچنین ارتفاع کتیبه از سطح زمین تقریباً " ۲۹ متر تخمین زده می شود ، این امر مهمترین دلیل عدم امکان مطالعه بر روی این اثر مهم تاریخی تا به امروز بوده است ، در حال حاضر طول کلی کتیبه که برابر با محیط دایره ۶ برونی در ارتفاع کتیبه است به ۷۲۸ سانتیمتر تخمین زده می شود ، ولی کاشیهای منار که عرض هر کدام بین ۱۰ تا ۲۶ سانتیمتر است ، در جنوب شرقی منار به طول ۹۵ سانتیمتر و در غرب آن به طول حدود ۲۵۰ سانتیمتر از دهها و شاید صدها سال پیش بزمین ریخته است . اکنون در قسمت جنوبی هشت کاشی و در قسمت شمالی ظاهراً " چهارده کاشی به جای مانده است . همانطور که ذکر شد کاشیها در جای خود مستحکم است و هم اکنون نیازی به تعمیر آنها نیست اما لعاب کاشیهای پختگی دارد و در دراز مدت باید برای حفظ این اثر بر ارزش چاره ای اندیشید .

گل پخته یکدست کاشیهای کتیبه در کمال سختی است و نگارنده تاکنون کاشی به این درجه از استحکام ندیده است . قطعه شکسته ای از آن همچون کارد سیلکس انسان ماقبل تاریخ برنده است و چون الماس بر روی شیشه ، آجرهای سخت دیگر را خط می اندازد . رنگ مغز آجر " زردناهل " متماثل به کرم (نخودی) می باشد و در آن رگه های قلیلی به رنگ " اخرا ی سرخ سیر " نیز دیده می شود . چنین به نظر می آید که حروف کتیبه و تزئینات آن در ابتدا بر روی گل خام هر کاشی نقش گردیده پس از پخت تنها حروف و تزئینات لعاب خورده و کاشیها دوباره درون کوره گذاشته شده بوده است . قشر لعاب روی حروف از کناره های آن نازکتر بوده و اکثراً " در حدود کم و بیش ۱/۱ میلیمتر است ولی روی حروف دیگری و در کناره آنها هنگامیکه لعاب جمع شده و یا چکه کرده است به ۱/۵ و حتی ۲ میلیمتر نیز میرسد . در قسمتهای ضخیم رنگ لعاب " آبی هندی " است ولی روی بسیاری از حروف

که ضخامت لایه لعاب به حداقل می‌رسد رنگ مغز آجر از ماورای رنگ "آبی هندی" نمایان است .

همانطور که درنوارهای عکس به وضوح دیده می‌شود، کتیبه به حروف "کوفی معقد / گره دار / بافته" و "گلدان" که از اثرات خط کوفی بشکل سرجانوران خالی نیست نوشته شده است. آنچه که از متن باقی مانده، به تشخیص آقای عبدالله قوچانی، قرآنی می‌باشد و عبارتست از آیه ۱۸ و احتمالاً " ۱۹ سوره آل عمران . به عللی که هنوز به درستی روشن نگردیده کاشی‌ها در زمانی نامعین جابه جا شده است و در حال حاضر نمی‌توان تمام کلمات دو آیه فوق‌الذکر و حتی بعضی از حروف کلمات آن را پشت سر هم خواند .

بعنوان مثال در کلمه " شهد " (آغاز کتیبه و آغاز آیه ۱۸ علامت + روی عکس ۴) قسمت کوچکی از حرف " ه " و تمام حرف " دال " کم است و بجای آنها حروف " ی " و " ز " که شاید از کلمه " العزیز " در همان آیه - که در کتیبه فاقد دو حرف نام برده شده است - گرفته شده باشد .

در متن کنونی کتیبه تاریخ و پانام بانی مناره دیده نمی‌شود. کتیبه آجری منار نیز که حاوی آیه ۲۵ سوره " النور " (۲۴) می‌باشد فاقد اطلاعات لازم در این مورد است . با وجود این، همانطور که در مقاله آثار سده ۱۱/۵ دامغان (۳) ذکر گردیده است، منار مسجد جامع دامغان را که از نظر ساختمانی، تزئینات و کتابت بخش جدائی ناپذیری از آثار سده ۵ و آغاز سده ۶ هجری استان باستانی کومش را تشکیل می‌دهد باید به حدود ۱۰۵۸/۴۵۰ نسبت داد. کتیبه کاشی را نمی‌توان از منار مجزا دانست و الحاقی بشمار آورد، زیرا جای آن از طرف معمار پیش‌بینی گردیده و حروف آن با حروف سایر کتیبه های کوفی کومش از جمله کتیبه آجری کمر خود منار مسجد جامع همگام است . این کتیبه کاشی در حقیقت شکل بیش و کم تحول یافته همان کتیبه های آجری سنتی است که در آنها چند حرف به هم چسبانده شده و آنچه که در کتیبه های فوق‌الذکر

تیزی آجر تشکیل دهنده، حروف بوده لعاب خورده و فواصل بین حروف بصورت آجر عربیان باقی مانده باشد . بنابراین کماکان باید این اثر بی نظیر را کهن ترین نمونه بازمانده در جای (۴) از کاربرد کاشی در معماری اسلامی ایران بشمار آورد .

پژوهشهای باستان‌شناسی اسلامی از جمله در مجموعه امامزاده محمد بایزید در بسطام که به توسط دفتر فنی سمنان انجام میگردد بطور غیر قابل انکاری ثابت می‌کند که لااقل نمای برخی بناها از جمله مساجد و بقاع - رنگین بوده است . کتیبه های آجری به خصوص برای سهولت تمیز و خواندن حروف ، روی یک متن رنگین (نیلی در بسطام) قرار میگرفته است . این رنگها در نما در مقایسه با آنچه که در درون بنا قرار می گرفته در مقابل عوامل جوی بسیار ناپه دارتر بوده و زود از بین میرفته است و این خود یکی از دلایل مهم آغاز بکار گرفتن کاشی در بناهای اسلامی ایران بوده است . معمار راه گشای منار مسجد جامع دامغان هنوز در این مورد ناپخته و نامطمئن بوده اندازه کاشیهای کتیبه را نسبت به بلندی منار کوچک گرفته است و در نتیجه کتیبه خوب به چشم نمی‌آید و این امر خود دلیل دیگری بر قدمت کتیبه است . لازم به یاد آوریم که اگر این کتیبه فاقد لعاب بود هیچ دیده نمی‌شد . این آغاز کم و بیش نامرئی ، که مانند کودکی خردسال پایه پا می‌شد، آینه‌ای بس درخشان در سراسر تاریخ هنر ایران و جهان یافت . گر چه در ابتدای امر رنگ در نما مقاومت کرد و همانطور که آورده شد حتی معمار مسجد بایزید در بسطام واقع درده فرسنگی دامغان - در سال ۲۱/۵۱۴ - ۱۲۲۰ رنگ را به کاشی در هنگام ساختن مسجد مذکور ترجیح داد اما به مرور زمان در ادامه دوران سلجوقی ، ایلخانی و تیموری کاشی جای خود را باز نموده در اواخر دوره تیموری و ترکمان بصورت مرقق حتی بر نماهای آجری نیز برتری یافته سراسر بنا را فرا گرفت و شاید باوج تکامل خود رسید (مسجد کبود تبریز) . از آنجائیکه پوشش بناها با کاشی مرقق در مقیاس بزرگ از نظر اقتصادی

مقرون بصره نبود ، علاوه بر مخارج تراش کاشیهای مورد نظر وقت زیادی نیز می برد ، اساتید دوران شاه عباس پس از انتقال پای تخت به اصفهان به کاشی هفت رنگ روی آورده و از کاشیهای معرق جز در بناهای ممتاز یا سطوح کوچک استفاده نکردند .

در زمان زندیه و قاجاریه نیز این روند به صورتهای گوناگون ادامه یافت و با این ترتیب کاربرد یک کتیبه کاشی در دامغان و نظائر آن نزدیک به هزار سال پیش دارای این چنین آینده ای شد و بصورت یکی از مهمترین ارکان معماری ایران در آمد .

زیرنویس

۱- کاشیهای منار مسجد جامع دامغان برای اولین بار در سال ۱۳۰۰ / ۱۸۸۳ به توسط محمد حسن خان صنیع الدوله (اعتماد السلطنه) شرح داده شد (مطلع الشمس ، ۳ جلد ، چاپ سنگی ، تهران ۵۳ - ۱۳۰۱ قمری ، ج ۳۰ ، ص ۲۶۹) . در میان دانشمندان بیگانه فردریش ساره نخستین کسی است که به این کاشیها توجه نمود :

F.Sarre, Denkmaler Persischer Baukunst, 2 Vols. , Berlin

19°1-1° , I, Pl. LXXXIII, P.4, II, P. 112, FIG. 151.

برای تاریخچه کشف و شرح منار مسجد جامع دامغان ر. ک . :

C. Adle et A.S. Melikian- Chirvani, " Les Monuments Du xi

Siecle Du Damqan", Studia Iranica, I/2 1972, PP. 229-297,

PP. 248-249.

۲- ر. ک . تمام مقاله نگارنده که مشخصات آن در پایان زیرنویس ۱ آورده شده است .

۳- ص ۲۴۹ مقاله نگارنده که در پایان زیرنویس شماره ۱ نام برده شده است . در زمان نگارش مقاله فوق الذکر

نگارنده می پنداشت که در گنبد خاکی مسجد جمعه اصفهان (۸۹/۴۸۱ - ۱۰۹۹) قطعات کاشی بکار برده شده که ظاهراً اشتباه است و کلمه کاشی در مقاله مذکور که در مورد گنبد خاکی بکار رفته می باید حذف گردد .

۴- بعید نیست که جایی یا در موزه ای آثار هم زمان با کتیبه کاشی دامغان یا کهن تر کشف شود . هم اکنون در

بخش اسلامی موزه ایران باستان دو قطعه کاشی از یک کتیبه بشماره ۸۴۱۹ موجود است که اندازه مجموع آن ۸۳ x ۱۰۴ می باشد . طبق نوشته دفتر بخش مذکور این دو کاشی از گنبد قابوس به موزه آورده شده و به سده ۴ هجری نسبت داده شده است . ضخامت کاشی در حدود ۱۰ - ۹ سانتیمتر است و روی یکی از آنها نام " محمد " به حروف کوفی منقش است .

نوع گل آن بخوبی گل کتیبه دامغان نیست ولی از نظر فن هم چون کتیبه دامغان تهیه شده است و لعاب آن نیز فقط روی حروف را می گیرد و رنگ لعاب آبی فیروزه ای می باشد . نسبت دادن این کاشیها به قرن ۴ هجری قابل بحث است ولی بهر صورت در قدمت زیاد آنها شک نیست . توجه خواهد شد که کاشیها از گنبد قابوس (یعنی گرگان باستانی و نه استرآباد) به تهران آورده شده و در زمان آل زیار ناحیه کومش بخشی از طبرستان به حساب می آمده است . بنابراین در حال حاضر دو نمونه کاشیهای کتیبه ای موجود به یک نقطه از ایران اشاره میکند . . .

۳- نورهای عکسی (در صفحه قبل) از دید گونبای کتیبه کاشی منار مسجد جامع دامغان به مقیاس ۱/۵ ، مرکب از هیجده تصویر مستقل منشعب از هفتاد و دو تصویر اولیه که با بعدسی ۳۷ میلیمتر ، با فیلم ۲۴۰۰ اس. آ. گرفته شده است. در بالای عکس آنچه که از کتیبه بر روی نمای جنوبی منار بجای مانده و در پائین عکس باقی مانده کتیبه بر روی نمای شمالی منار دیده می شود . مقیاس کاشیها متوسط چوب مقیاس که در گوشه راست بالای عکس دیده می شود داده شده است . هر کدام از مربع مستطیهای سفید یا سیاه نمایانگر ۵ سانتیمتر است .

۴- باقی مانده کتیبه کاشی بر روی نمای جنوبی منار مسجد جامع دامغان (عکس از کامران عدل) .

تشکر و پوزش

در مورد مطالب و عکسهای که در شماره های گذشته مجله اثر منتشر شده بوسیله تلفن یا نامه دوستان علاقمندان تذکرات و انتقاداتی ارائه می کنند که همگی حاکی از نهایت توجه بمندرجات مجله میباشد و اکثرا " راهنمای ما در تهیه مطالب شماره های بعد می باشد .

ضمن تشکر از دوستان در مورد چندانشیاه که در شرح عکسهای یکی از مقالات اولین شماره اثر رخ داده است باپوزش توضیح ذیل داده میشود و امید است خوانندگان اثر خود اقدام بتصحیح بنمایند .

در صفحات ۱۱۶ و ۱۱۷ سه عکس چاپ شده که هر سه مربوط به مسجد جامع فهرج یزد می باشند .

در صفحه ۱۱۸ عکس بالا ایوان غربی مسجد جامع اصفهان است .

در صفحه ۱۱۹ عکس بالا طاق ایوان شمالی مسجد جامع اصفهان است .



